نقش جهان نقشی از جهان ایرانی

یکی از آثار تاریخی ثبت شده در فهرست میراث جهانی، میدان نقش جهان اصفهان است که اندکی بیش از ۴۰۰ سال عمر دارد (بقیه بیش از ۱۵۰۰ سال قدمت دارند) و با چهار اثر شاخص مسجدامام، مسجد شیخ لطف الله، کاخ عالی قاپو و بازار قیصریه شناخته می شود. نقش جهان وقتی ساخته شد که شاه عباس اول صفوی (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق) پایتخت ایران را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و با کمک مشاور بزرگ و برجسته خود یعنی شیخ بهایی طرح جسورانه ای را برای شهرسازی پایتخت جدید درافکند. طرحی که پس از اجرا، عنوان «نصف جهان» را برای اصفهان به ارمغان آورد و آن را در مقام باشکوه ترین شهر قاره آسیا نشاند.

ساخت میدانی با طول و عرض تقریبی ۵۰۷ در ۱۵۸ متر تا آن روز و حتی پس از آن در تاریخ چند هزار ساله معماری و شهرسازی ایران بی سابقه بود.

«راجر سیوری» (Roger Savory) ایران شناس برجسته انگلیسی که مطالعات گسترده ای در تاریخ دوره صفویه دارد، با اتکای به اسناد و شواهد تاریخی، میدان نقش جهان را چنین وصف می کند: «میدان نقش جهان محل ملاقات شاه و شهروندان بود. گرداگرد کناره میدان، نهری به عرض ۳/۵ متر و عمق ۲ متر جریان داشت. در طول نهر، ردیفی از درختان چنار بر رهگذران سایه می افکند. میدان در روزها اغلب پوشیده از چادر دستفروشان بود و در انبار بازرگانان در اطراف میدان انواع مال التجاره ها و به طور عمده، ادویه انبار شده بود. روزانه افرادی از ملیت های مختلف به این محل می آمدند. شب ها میدان به محل تردد جمعیت زیادی از بازیگران، شعبده بازان، خیمه شب بازان، بندبازان، قصه گویان، درویشان و... بدل می شد. شاه گه گاه و بویژه هنگام نوروز، در باغ های جنب میدان به سلام عید می نشست... میدان در ضمن، زمین چوگان هم بود (دروازه های مرمرینی که شاه عباس اول برپا ساخت، هنوز در دو انتهای میدان باقی است) و برای دیگر انواع ورزش ها نیز به کار می رفت، از جمله برای مسابقات تیراندازی به نام قبق اندازی که در آن اسب سواراني که چهار نعل می تاختند، بر جام زرین یا هدف کم ارزش تری که بر بالای دیرک چوبی بلندی قرار داشت، تیر می انداختند».

این تصویر را کمابیش همه گردشگرانی که در سده های گذشته از اصفهان دیدن کرده اند ـ با اندک تفاوت هایی ـ به دست می دهند و نقش جهان را چنان خیال انگیز و رؤیایی جلوه گر می کنند که دیدنش برای هر خواننده ای وسوسه انگیز باشد! خوشبختانه با وجود همه حوادث ناخوشایند، کالبد فیزیکی میدان نقش جهان تاکنون دست نخورده باقی مانده است و هنوز شکوه گذشته را باز می نمایاند. این شکوه نه فقط به دلیل آرایش کلی میدان، بلکه مدیون وجودچهار اثری است که در شمال و جنوب و شرق و غرب آن جای گرفته اند و هر یک به تنهایی از شاهکارهای معماری ایران تلقی می شوند.

مسجد امام، نماد ایران

مسجد امام (مسجد جامع عباسی یا مسجد شاه سابق) بزرگ ترین اثر در میدان نقش جهان است که گنبد عظیم و فیروزه ای رنگش یکی از چند نماد تاریخی ایران و آشنا برای خارجیان به شمار می رود. درست مانند برج ایفل که نمادی از فرانسه است یا تاج محل که همگان را به یاد هندوستان می اندازد. ساخت این مسجد بزرگ در سال ۱۰۲۰ هـ.ق یعنی ۷۵ سال پس از مرگ شاه عباس به پایان رسید. مجموعه ای از بزرگ ترین معماران و هنرمندان عصر صفوی مانند استاد علی اکبر اصفهانی (معمار) و علیرضا عباسی و محمدرضا امامی (خوشنویس) در آفرینش این شاهکار بزرگ نقش آفریده اند، اما متأسفانه نام بسیاری دیگر از هنرمندان دخیل در این کار همچون کاشی کارها، حجارها و... بر ما پوشیده مانده است.

گنبد دو پوشش مسجد امام با ۵۲ متر ارتفاع و سردر عظیم آن که با مقرنس بندی های بی همتا و معرق کاری های نفیس زینت یافته، این اثر را مورد توجه همه معماران و کارشناسان تاریخ هنر جهان قرار داده؛ به گونه ای که تاکنون هزاران مقاله یا کتاب علمی ـ بیشتر به وسیله آمریکایی ها و اروپایی ها ـ درباره ویژگی های معماری و هنری مسجد امام به رشته تحریر درآمده است. مسجد امام در واقع حاصل تجربه هزاران ساله معماران ایرانی است که همه ویژگی ها و ارزش های نهفته در مکتب معماری ایران را در خود جلوه گر ساخته است.

مطابق کتیبه سردر مسجد امام که به خط محمدرضا امامی است، شاه عباس این مسجد را که «مسجد جامع» خوانده از مال خالص خود بنا کرده و ثوابش را به روح جد اعظم خود شاه تهماسب هدیه کرده است.

مسجد شیخ لطف الله، نمازخانه خصوصی

مسجد شیخ لطف الله که با گنبد بسیار زیبا و منحصربه فردش در جانب شرقی میدان نقش جهان قرار گرفته، از دیگر آثار دوره شاه عباس است که ساخت آن به سال ۱۰۱۱ هجری قمری آغاز شد و در سال ۱۰۲۸ به پایان رسید. معمار مسجدی که آرتورپوپ معمار بزرگ آمریکایی درباره اش می گوید: «بسختی می توان این بنا را محصول دست بشر دانست». در ۲ لوحه کوچکی که داخل محراب جای گرفته اند، خود را چنین معرفی می کند: «عمل فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا محمدرضا بن استاد حسین بناء اصفهانی».

مسجد شیخ لطف الله برخلاف مسجد امام بسیار کوچک است و شامل یک سردر، راهروی ورودی، سرداب و شبستان (گنبدخانه) می شود. علت هم آن است که این مسجد را شاه عباس برای شیخ لطف الله پدر یکی از زنان خود بنا کرد و در تمام دوره صفویه مورد استفاده خصوصی خانواده سلطنتی بود. شیخ لطف الله از علمای بزرگ شیعه و از اهالی جبل عامل لبنان بود که به دعوت شاه عباس به ایران آمد و گاه در همین مسجد به تدریس علوم دینی می پرداخت.

اهمیت مسجد شیخ لطف الله بیش از همه به دلیل طرح گنبد و کاشی کاری های معرق داخلی و خارجی آن است که از زیباترین نمونه های تزئین در مساجد سراسر جهان تلقی می شود. کتیبه های مسجد همه به خط علیرضا عباسی و یک خوشنویس گمنام به نام «باقربنا» است و معرق سردر مسجد بعد از سردر مسجد امام در زمره نفیس ترین نمونه های معرق درجهان قرار می گیرد.

عالی قاپو، دولتخانه نقش جهان

درست چشم در چشم مسجد شیخ لطف الله، کاخ عالی قاپو قرار دارد که در عهد صفویه «دولتخانه مبارکه نقش جهان» یا «قصر دولتخانه» خوانده می شد. این بنا نیز از کارهای دوره شاه عباس است که برای پذیرایی شاه از سفرا و دیگر میهمانان دربار مورد استفاده قرار می گرفته است. عالی قاپو در پنج طبقه ساخته شده و هر طبقه تزئینات مخصوص خود را دارد. مینیاتورها که در تمام تالارها و اتاق های کاخ دیده می شوند از کارهای رضا عباسی مینیاتوریست بزرگ عصر صفوی هستند که متأسفانه به مرور زمان آسیب فراوانی دیده اند. در واقع نه فقط این مینیاتورها، بلکه کاخ عالی قاپو نسبت به دیگر آثار میدان آسیب بیشتری را متحمل شده و مدام در حال مرمت و بازسازی است.

شاهان صفوی و میهمانانشان از داخل ایوان عالی قاپو به تماشای بازی چوگان، چراغانی، آتش بازی و نمایش های دیگر در میدان نقش جهان می نشسته اند و امروزه نیز گردشگران می توانند از فراز همین ایوان بافت تاریخی شهر اصفهان را نظاره کنند.

قیصریه: بزرگداشت بازرگانی

بازار قیصریه و سردر معروف آن در ضلع شمالی نقش جهان قرار دارد. سردر قیصریه اگرچه در گذشته با تزئینات و نقاشی های دل انگیز جلال فوق العاده ای داشت، اما در مجموع آن را ساده و کم ارتفاع ساختند تا شکوه سردر مسجد امام، تحت الشعاع بازار قرار نگیرد.

قیصریه فقط یک بازار نیست، بلکه مجموعه ای از کاروانسراها، مدارس، حمام ها و اماکن دیگری همچون عصارخانه و مسجد در آن به چشم می آید. این بازار در دوره صفویه چنان عظمت و رونقی داشت که بیشتر به یک مجتمع بزرگ تجاری شبیه بود تا یک بازار ساده و مرکز خرید و فروش. «فریر» سیاح اروپایی که ۵۰ سال پس از شاه عباس از اصفهان دیدن کرد درباره قیصریه می نویسد: «این حیرت انگیزترین نمونه عظمت در بزرگداشت بازرگانی است که تمامی جهان می تواند به آن بنازد و بورس های ما در مقابل این بازارهای معروف، ساختمان های پراکنده ای بیش نیستند».

قیصریه در امتداد خود به بازارها و محلات بسیار قدیمی اصفهان می رسد که برخی بیش از هزار سال قدمت دارند و هنوز نبض اقتصادی بزرگ ترین شهر فلات مرکزی ایران به حساب می آیند.

سمفونی نقش جهان

در مجموع میدان نقش جهان، نقشی است از جهان ایرانی و حرکتی است موسیقیایی در معماری ایران، «محمدکریم پیرنیا» معمار بزرگ ایرانی، نقش جهان را یک سمفونی بزرگ می دانست و می گفت: «از سردر قیصریه که وارد می شویم، درآمد شور یکنواخت و آرام در طاق نماها تجلی می یابد، بعد در عالی قاپو به شهناز می رسیم و در مسجد امام به سلمک و پس از آن در مسجد شیخ لطف الله به زیرافکن که روح زیبایی است و از آنجا نغمه، به فرود می رسد و به درآمد بازمی گردد و میدان نیز به سردر قیصریه!»

معمای چغازنبیل

چغا زنبیل ۳ هزارو ۲۵۰ سال پیش ساخته شده و به عنوان عظیم ترین زیگورات تمدن باستانی عیلامی شناخته می شود این بنا که در زمان ساخت ۵۰ متر ارتفاع داشته در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در عملیات خاکبرداری زیر نظر رومان گریشمن از زیر خاک درآمد

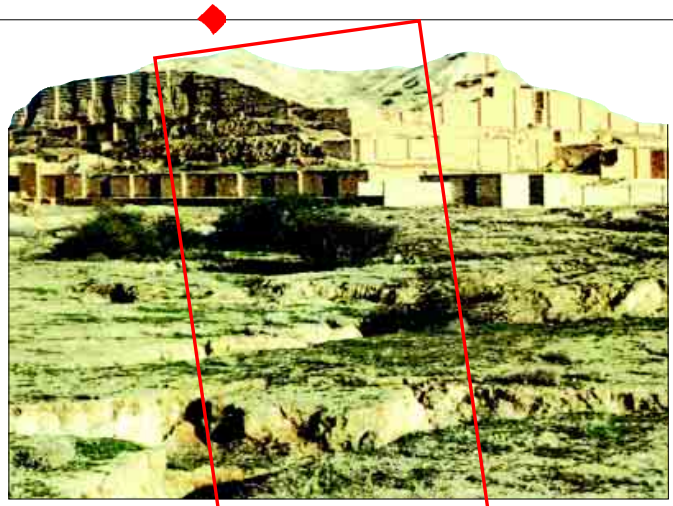

چغازنبیل که بخش باقی مانده از شهر عیلامی «دوراونتاش» است، در ۵۰ کیلومتری جنوب شهر اندیشمک و در ۱۰۰ کیلومتری شمال اهواز قرار دارد. با وجود این که این بنای عظیم افزون بر ۳ هزار و ۲۵۰ سال قدمت دارد و یکی از مهمترین آثار باستانی ایران و جهان به شمار می رود، اما از معروفیت چندانی برخوردار نیست و این شاید بدین دلیل باشد که تاریخ ایران از دوره پس از ورود آریایی ها به این سرزمین دنبال می شود و پیش از شکل یابی تمدن آریایی، کمتر مورد توجه قرار می گیرد. زیگورات چغازنبیل اثری است که به تمدن عیلام و نه تمدن آریایی تعلق دارد و البته در بخشی از فلات ایران شکل گرفته و به خود بالیده است.

تمدن عیلام را بیشتر در ارتباط با تمدن های بین النهرین مورد مطالعه قرار می دهند، اما شکی نیست که این تمدن در بخشی از سرزمین ایران استقرار یافته و تأثیرات عمیقی را بر تمدن آریایی بر جای گذاشته است. در عهد قدیم، عیلام شامل خوزستان و لرستان و پشتکوه و کوه های بختیاری بود. از مغرب به دجله، از مشرق به قسمتی از فارس، از سمت شمال به راهی که از بابل تا همدان امتداد داشت و از سمت جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می شد و البته تحقیقات جدید، دایره نفوذ این تمدن را از این هم گسترده تر نشان می دهند. شهرهای مهم عیلام یکی شوش بود که از قدیمی ترین شهرهای جهان به شمار می آید و دیگری «مادآکتو» که در منطقه کرخه بود. «خایدالو» که احتمالاً در جای خرم آباد امروزی قرار داشت، از دیگر شهرهای مهم عیلام بود و حتی گفته اند که نام عیلام برگرفته از منطقه کوهستانی لرستان است؛ چه آن که عیلام واژه ای است سامی به معنای کوهستان و سرزمین بلند. به هر روی، تمدن عیلام که در هزاره سوم پیش از میلاد شکل گرفت تا سال ۶۴۵ پیش از میلاد - یعنی بیش از دو هزار سال - دوام آورد و سرانجام به دست آشوری ها برافتاد.

از سخن دور نیفتیم، زیگورات چغازنبیل در زمان پادشاهی «اونتاش - ناپیریشا» ساخته شد که در سال ۱۲۷۵ پیش از میلاد به تخت نشست. در زمان او هنر ومعماری عیلام به اوج خود رسید و زیگورات چغازنبیل تنها نمونه ای از دستاوردهای هنری عیلامیان در این دوره بود. زیگورات گویا به تقلید از معابد بین النهرین به گونه هرم پله پله و در پنج طبقه بنا شد که هر طبقه به سان یک مکعب بزرگ بر روی طبقه زیرین قرار گرفته بود. (و البته در واقع امر این گونه نبود و فقط از نگاه بیرونی چنین به نظر می رسید) برای این کار میلیون ها خشت و آجر ساخته شده و بر روی هم قرار گرفتند. خاک به اندازه کافی در محل موجود بود و آب نیز یک کیلومتر و نیم آن سوتر از رودخانه دز تأمین می شد. مشکل اصلی پختن آجرهای بزرگ بود که کاری وقت گیر و پرهزینه به شمار می رفت. ناحیه هفت تپه که زیگورات چغازنبیل در آن قرار گرفته، در گذشته نیز مانند امروز، کم درخت بود و از این رو چوب لازم برای سوخت از کوهستان های لرستان بریده شد. این چوب ها با الاغ و گاو کوهی تا سرچشمه دز حمل می شدند و آنگاه از طریق رود به محل مورد نیاز انتقال می یافتند.

اونتاش ناپیریشا، سال ها مجبور شد لشکر کاملی از ده ها هزار کاشی ساز، آجرپز، بنا، عمله، کارگر و خرچران را به کار گیرد تا زیگورات ساخته شود. اما این همه نیز کافی نبود؛ او به متخصصانی برای طرح های بدیع زهکشی و آبیاری شهر دور اونتاش که همزمان با زیگورات ساخته شد، نیاز داشت و نیز به هنرمندانی برای طرح های تزئین دیوارها با موازئیک هایی به رنگ روشن و گروه کاملی از کاتبان نیز برای تراشیدن حروف روی هزاران آجر (به عنوان کتیبه) موردنیاز بودند و گردآوری مجموعه این افراد و از آن فراتر اداره و راهبری شان، بیانگر قدرت سازماندهی عیلامی ها بود.

مبعد عظیمی که بدین ترتیب برای پرستش خدای «اینشوشیناک» خدای مقتدر عیلام ساخته شد، سال ها به عنوان عظیم ترین معبد این تمدن باقی ماند و سرانجام با سقوط عیلام رو به ویرانی گذارد. بعدها بر لوحه گلینی که در یکی از کاوش های باستان شناسی به دست آمد، نیایشی از اونتاش گال یا همان اونتاش ناپتیریشا دیده شد که نه فقط احترام او به اینشوشیناک را نشان می داد، بلکه مهلت ساخت معبد چغازنبیل را نیز روشن می کرد. پادشاه عیلامی در نیایش خود می گوید: «من اونتاش گال هوبانومینا، پادشاه انزان (خوزستان) و شوش، به شکرانه زندگی دراز، ثروت بی شمار و فرزندان بسیار، برای نیایش خدای اینشوشیناک، خداوند مکان مقدس، پرستشگاهی سترگ پی افکندم. من این معبد را به او پیشکش کردم و به سوی آسمان برافراشتم. باشد که هدیه من و کوشش من به پیشگاه خدای اینشوشیناک پذیرفته آید.» اکنون پس از گذشت ۳ هزار و ۲۵۰ سال، معبد سترگی که پادشاه عیلامی پی افکند و ۵۰ متر ارتفاع داشت، هنوز پابرجاست، هرچند که دیگر درآن خدای اینشوشیناک موردتقدیس قرارنمی گیرد و با فروریختن دو طبقه از بنا ارتفاع آن به ۲۵ متر کاهش یافته است.

در هزاران سال زیگورات به زیرخاک رفت و در هیأت تپه ای ظاهر شد که وجودش در دشت سوزیانا غیرطبیعی می نمود.

در فاصله سال های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ شمسی باستان شناسان گمانه زنی هایی را در محوطه زیگورات چغازنبیل صورت دادند که به نتایج قابل توجهی نرسید؛ اما در سال ۱۳۲۵ شمسی «رومان گیرشمن» باستان شناس بزرگ فرانسوی، عملیات خاکبرداری محوطه را آغاز کرد و موفق شد که زیگورات را از زیر خروارها خاک بیرون آورد.

محوطه زیگورات چغازنبیل با دیواری به ابعاد ۱۲۰۰×۸۰۰ متر محصور شده است. درون این دیوار، دیوار دیگری قرارداد که حیاطی به ابعاد ۴۰۰×۴۰۰ متر را به وجودآورده است و درمیانه آن ساختمان معبد به چشم می آید. اگرچه درنگاه نخست به نظرمی رسد که هرطبقه بر روی طبقه زیرین ساخته شده، اما در واقع هرطبقه از سطح زمین بالا آمده و چون درون طبقه کوتاه تری قرارگرفته، چنین می نماید که برروی آن ساخته شده است. در طبقه دوم ساختمان، اتاق هایی برای مراسم نیایش وجوددارد و احتمالاً در طبقه پنجم - که حالا ازمیان رفته - معبد «اینشوشیناک» قرارداشته است. برروی آجرهای همه ساختمان کتیبه هایی به خط میخی به چشم می خورد که نام سازنده زیگورات یعنی اونتاش گال و نیز نام اینشوشیناک برآنها نوشته شده است.

در جلوی دروازه اصلی زیگورات نیز سکوهایی برای قربانی وجوددارد که مراسم قربانی برروی آنها صورت می گرفته است و البته باید یادآور شد زیگورات دارای هفت دروازه است که دروازه اصلی درضلع جنوب شرقی آن قراردارد.

در فاصله میان زیگورات و دیوار پیرامون آن، ساختمان های دیگری نیز دیده می شوند. ازجمله این ساختمان ها آرامگاه «تپتی آهار» از شاهان عیلام است که جسد وی و احتمالاً همسر مورد علاقه اش را درخود جای داده. در این آرامگاه بقایای استخوان های افراد بسیاری به دست آمده که برخی به صورت منظم و برخی به شکل نامنظم دفن شده اند و این امر دلالت بر موقعیت اجتماعی متفاوت آنها دارد.

احتمالاً به همراه شاه، عده ای از خدمتکاران او نیز برای خدمت به وی در دنیای دیگر دفن شده اند و شاید بعدها برخی از اعضای خانواده شاه نیز در کنار او درخاک جای گرفته اند.

در کنار آرامگاه تپتی آهار، آرامگاه دسته جمعی دیگری وجوددارد که بقایای ۲۳ اسکلت از آن به دست آمده، این آرامگاه ازنظر معماری در مرتبه ای پائین تر از مقبره تپتی آهار قراردارد و بی شک به افرادی با موقعیت نازل تر اختصاص داشته است.

غیر از این ها در پیرامون معبد نیز گورهایی کشف شده که اجساد درون آنها در تابوت های سفالی بیضی شکل قرارداده شده اند.

گویا اهمیت مذهبی چغازنبیل موجب دفن مردگان بسیاری در اطراف آن بوده است. گورهای دیگری که در این محوطه به دست آمده اند یا مردگان را در خمره های سفالی ساده جای داده اند یا بدون تابوت در دل خاک جای گرفته اند. در برخی از این گورها هدیه هایی چون ظروف و خنجر مفرغی مشاهده شده است.

آرامگاه تپتی آهار که از آن یاد کردیم، دارای معبد مستقلی است که از بخش هایی چون تالار، ایوان، حیاط، اتاق و قربانگاه تشکیل شده است. میان این معبد و ساختمان زیگورات نیز ساختمان بزرگ دیگری به چشم می آید که احتمالاً یکی از کاخ ها یا معابد مهم دور اونتاش بوده است.

در سال های اخیر کاوش های باستان شناسی در محوطه چغازنبیل و مرمت بنای سترگ زیگورات با کمک سازمان جهانی یونسکو سرعت بیشتری پیداکرده است و امید است که در آینده زوایای دیگری از تاریخ این کهن ترین و ناشناخته ترین معبد بزرگ ایرانی به دست آید.